



تئاتر،

دکتر «قطب‌الدین صادقی» در گفت‌وگو با رشد آموزش هنر:

گامی به سوی شکوفایی تخیل و خلاقیت در دانش‌آموزان

فریبرز خسرویان

برخی از آثار قطب‌الدین صادقی، عبارتند از: «باغ شکرپاره»؛ «یادگار زریران»؛ «پرومته در زنجیر»؛ «افشین و بودولف هر دومرده‌اند»؛ «قابیل»؛ «سحوری»؛ «سی مرغ سیمرغ»؛ «بهرام چوبینه»؛ «هفت قبیله‌ی گم‌شده».

فرآیند تئاتر دانش‌آموزی و چگونگی چرخش آن در مدارس را توضیح دهید؟

تئاتر در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و اقشار تحصیل‌کرده و معلمین، اولین تئاترها را به وجود آورده‌اند. اولین گام‌های مدرن و جدی تئاتر در همین مدارس و دبیرستان‌ها برداشته شده است. زمانی که محصل بودم، در هر مدرسه یک سالن تئاتر وجود داشت و اولین تماشاگرانی که به تئاتر می‌رفتند، همین دانش‌آموزان و محصلین بودند. سال دوم دبیرستان بودم که تماشای یک نمایش، بر زندگی‌ام تأثیر گذاشت و سخت شیفته‌ی این هنر شدم. در آن زمان، کسانی که نمایش کار می‌کردند، به همراه موسیقی‌دان‌ها و کسانی که دکلمه می‌گفتند، در دبیرستان جمع شده بودند و یک برنامه‌ی هنری چند ساعته را اجرا می‌کردند؛ به عبارتی، سرگرمی و فرهنگ و هنر، تولید خود دانش‌آموزان بود؛ به همین دلیل، سابقه‌ی تربیت فرهنگی مناسبی در این زمینه وجود دارد.

سابقه‌ی تئاتر، به ویژه تئاتر دانش‌آموزی به چه سالی برمی‌گردد؟

از زمانی که نهاد مدرسه رسمی شد؛ به عبارتی، تئاتر دانش‌آموزی از انقلاب مشروطه به این سو، کاملاً جدی گرفته شد و مدرسه‌ای نبود که گروه تئاتر نداشته باشد. دانش‌آموزان علاقه‌مند بودند که از تئاتر برای بروز لیاقت‌ها، شایستگی‌ها و روح اجتماعی خودشان استفاده کنند؛ به همین دلیل در زمینه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی و تاریخی، فعالیت و آثاری

تئاتر از هنرهای هفت‌گانه و شاخه‌ای از هنرهای نمایشی است که به باز نمایاندن داستان‌ها در برابر مخاطبین یا تماشاگران می‌پردازد. تئاتر، هنری دراماتیک است که پنج قرن پیش از میلاد مسیح در آتن و روم به وجود آمده و سپس در آثار قرون وسطی و رنسانس و پس از آن در عصر جدید اروپا ادامه یافته است.

منظور از تئاتر، یک مجموعه‌ی هنری یا یک نظام سازمان یافته هنری است که پیش از هر چیز به متن یا نمایش‌نامه و سپس به کارگردان نیاز دارد و شامل بازیگری، صحنه‌آرایی، موسیقی، سخنوری، نورپردازی، نقاشی و معماری است.

هنر تئاتر با قابلیت‌ها و امکانات ویژه‌ای که در مقایسه با سایر هنرها دارد، می‌تواند در شکوفایی قوه‌ی تخیل، خلاقیت و عقلانیت دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند؛ به شرط آن‌که تعریف مشخص و جامعی برای آن در نظر گرفته شود. ضمن آن که کلاس‌های پرورشی و هنری تئاتر دانش‌آموزی را می‌توان به نوعی با تقویت خودباوری و اعتماد به نفس دانش‌آموزان هم‌سو دانست.

برای آشنایی بیشتر با هنر تئاتر، به ویژه تئاتر دانش‌آموزی، با «قطب‌الدین صادقی» از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو کمیسیون تألیف کتاب‌های هنری وزارت آموزش و پرورش گفت‌وگو کرده‌ایم.

دکتر قطب‌الدین صادقی، متولد سال ۱۳۳۱ ه. ش. در سنج است. ایشان دانش‌آموخته‌ی «هنرهای نمایشی» از دانشگاه «سوربن» فرانسه است. وی در زمینه‌ی کارگردانی، نمایش‌نامه‌نویسی و هم‌چنین بازیگری در حوزه‌ی سینما و تلویزیون، فعالیت مستمر داشته است و در زمینه‌ی تدریس در دانشگاه نیز سابقه‌ای طولانی دارد.



تولید کردند.

بدهد؟

به نظر من، معلمین هنر، دوره‌های تخصصی باید ببینند و در زمینه‌ی تئاتر، دانش و آگاهی خودشان را تکمیل کنند، مانند دوره‌ی «نمایش خلاق» که در «مرکز تربیت معلم» برگزار می‌شود.

نمایش خلاق (Creative Dramatic)، بازی‌های نمایشی خاصی است که لزوماً به اجرا منجر نمی‌شود؛ ولی دانش‌آموزان با بداهه‌سازی و نمایش ابتکارات عقلانی، موجب رشد قوای فکری، عاطفی و انسانی خودشان می‌شوند و مربی نیز مانند راهنما، با آن‌ها تمرین می‌کند.

شاخه‌های جداگانه‌ی نمایش، شامل «نمایش برای کودکان»، «نمایش با کودکان» و «نمایش توسط کودکان» است باید بدانیم که «نمایش برای کودکان» ممکن است با چند فرد حرفه‌ای انجام شود. «نمایش با کودکان»، نمایشی است که با کودکان به منزله‌ی بازیگر تمرین می‌کنید و ممکن است، این تمرین اجرا نشود. در تمرینات که جنبه‌ی آموزشی نیز دارد، از روش‌های «پداگوژیک» هنر نمایش استفاده می‌کنیم تا سایر قوا و استعداد‌های کودکان، از جمله تخیل، عقلانیت، ابتکار عمل و روح جمعی آن‌ها پرورش پیدا کند. در تئاترهای پرورشی کودکان، عاملیتی در کار نیست و کسی امر نمی‌کند. همه چیز در قالب پیشنهاد و بازی خلاصه شده و غیرمستقیم است؛ به همین دلیل، کودک آمادگی پذیرفتن هر چیزی است.

از چه موضوعاتی می‌توانیم برای نمایش‌های خلاق استفاده کنیم؟

یکی از وظایف ما، تقویت تخیل کودکان و نوجوانان است؛ برای این کار می‌توانیم از موضوعات تخیلی استفاده کنیم. اغلب کودکان و نوجوانان ما از فرهنگ سنتی و اساطیری مان جدا شده و جذب تلویزیون شده‌اند که ذره‌ای تخیل در آن نیست؛ بنابراین برای تقویت قدرت تخیل کودکان، از روش‌های دیگر، مانند تئاتر باید استفاده کرد؛ موضوعاتی که در زندگی روزمره دیده می‌شوند، ولی براساس یک رویکرد تازه و تلاش عقلانی و با یک جهت‌گیری فکری، کودک را به اندیشیدن وادار می‌کنند؛ زیرا در تئاتر کودک، اساس کار ما تقویت عقل است و مهم‌ترین نیاز کودک برای تجربه و چیره شدن بر جهان، قوه‌ی عقل است. احساس کودک با احساس ما تفاوت دارد. قصه‌های اساطیری و افسانه‌ها بسیار تأثیرگذار و مفیدند؛ برای مثال، فیلم «سرکه» که بیشتر از پنجاه جایزه‌ی جهانی گرفته و خیلی‌ها تحت تأثیر آن‌ها هستند. بر اساس این فیلم، مادری کودک پنج‌ساله‌اش را در خانه تنها می‌گذارد و از او می‌خواهد تا در نبود مادر، در خانه را به روی کسی باز نکند. در این فاصله که مادر این کودک حضور

بعدها «سازمان‌های پیشاهنگی» این مسئله را پیگیری کرد. به نظر من، یکی از مدرن‌ترین نهادهایی که از انقلاب مشروطه تاکنون، این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم کرد توانایی‌های خودشان را نشان دهند و از هنر نمایش، برای تقویت روح جمعی، روان‌شناسی فردی، به دست آوردن مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس استفاده کنند. «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود. از سال ۱۳۴۸ گروه‌های تئاتر در این کانون شکل گرفت و کانون، مربیانی را به کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سراسر کشور فرستاد. ما هم در یک گروه دوازده نفره، اولین مربیان تئاتر کودک بودیم که در کتابخانه‌های مختلف تهران و به مرور در کتابخانه‌های کشور، مشغول تدریس شدیم. هنرآموزگان تئاتر در زمان انقلاب حدود ششصد نفر بودند که اکنون این تعداد بسیار گسترش پیدا کرده است.

بسیاری از هنرمندان، مانند «فاطمه معتمدآریا» و «هنگامه مفید» و هم چنین «اکبر عبدی»، «ایرج طهماسب» و «حمید جبلی»، ثمره‌ی این آموزش‌ها هستند.

تناسب تئاتر دانش‌آموزی قبل و بعد از انقلاب را چگونه می‌بینید؟ آیا جایگاه تئاتر دانش‌آموزی، پس از انقلاب افت داشته است؟

تئاتر دانش‌آموزی، پس از انقلاب افت زیادی داشته و در حاشیه قرار گرفته است؛ زیرا آموزش و پرورش، اساس کار را بر تعلیم مستقیم قرار داد و از روش‌های پژوهشی و پرورشی دور شده است؛ درحالی‌که در هنر، به ویژه هنرهای نمایشی، کودکان و نوجوانان، بیشتر از آموزش، به تجربه نیاز دارند. آن‌ها به تنهایی جهان را باید تجربه کنند و تخیل، خرد، حس ابتکار و روح جمعی خودشان را پرورش دهند. آموخته‌هایی هست که از طریق هنر تئاتر میسر است و باعث شکل‌گیری استعدادهای بالقوه‌ی کودکان و نوجوانان می‌شود.

چه راه‌کارهایی برای اشاعه‌ی تئاتر دانش‌آموزی وجود دارد؟ آیا با فرهنگ‌سازی این امر تحقق پیدا می‌کند؟

ما به فرهنگ‌سازی نیاز نداریم؛ بلکه به مدیرانی نیاز داریم که به سخنان کارشناسان تئاتر بها بدهند. تعریف مدیران از امر تعلیم و تربیت براساس یک رابطه‌ی آمرانه و یک‌طرفه است؛ درحالی‌که معلم در جایگاه راهنما، راه‌های صحیح آموختن را به دانش‌آموزان باید بیاموزد و رابطه‌ی دوسویه برقرار کند.

آیا معلم هنر می‌تواند به طور تخصصی در زمینه‌ی تئاتر دانش‌آموزی فعالیت کند و به قدر کافی به دانش‌آموزان آموزش

به نظر من،
معلمین هنر،
دوره‌های تخصصی
باید ببینند و در
زمینه‌ی تئاتر،
دانش و آگاهی
خودشان را تکمیل
کنند، مانند دوره‌ی
«نمایش خلاق» که
در «مرکز تربیت
معلم» برگزار
می‌شود



در تئاتر کودک، اساس کار ما تقویت عقل است و مهم‌ترین نیاز کودک برای تجربه و چیره‌شدن بر جهان، قوه‌ی عقل است

ندارد، پسر همسایه در می‌زند و سرکه می‌خواهد؛ ولی کودک به خاطر گفته‌ی مادرش، نمی‌تواند در خانه را باز کند. تمام ده دقیقه‌ی این فیلم، به چاره‌جویی این دو کودک و پیدا کردن راهی برای جابه‌جایی سرکه مربوط است؛ بدون این‌که در منزل را باز کنند. این مسئله باعث رشد عقلانی کودکان می‌شود و بزرگ‌ترین الگوی فیلم «سرکه» است.

به نظر من، یکی از مواردی که می‌تواند به آموزش و پرورش کمک کند، همین «دانشگاه تئاتر» است. سالانه حدود یک‌هزار نفر از دانشگاه تئاتر فارغ‌التحصیل می‌شوند که آموزش و پرورش می‌تواند این افراد را به عنوان مربیان پرورشی به کار گیرد و موج جدیدی را در مدارس راه‌اندازی کند. ضمناً از روش‌های پرورشی نیرومندتری برای رشد و شکوفایی شخصیت کودکان و نوجوانان باید استفاده کنند.

برای ارتقای تئاتر دانش‌آموزی، چه پیشنهادی برای مجلات رشد، به ویژه مجله‌ی رشد هنر دارید؟

روش‌های هنری و پرورشی را باید تبیین کنید تا به تکمیل اطلاعات دانش‌آموزان، معلمین و مدیران منجر شود. تجربیات کشورهای دیگر را ترجمه و نقد کنید و گزارشی در این رابطه چاپ کنید تا مسئولین و دست‌اندرکاران، در محاصره‌ی اطلاعات جدید قرار گیرند.

جایگاه تئاتر دانش‌آموزی ایران در عرصه‌های بین‌المللی چگونه است؟

بسیار ضعیف و ما هیچ طرح مبتکرانه‌ای در این حوزه نداریم.

شما از جایگاه متولیان صحبت کردید، اولیا چه نقشی در این رابطه می‌توانند داشته باشند؟

کودکان و نوجوانان، فقط تحت تأثیر تعالیم معلمین نیستند. گاهی تناقضاتی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که از تعالیم متفاوت منزل و مدرسه نشئت می‌گیرد و دانش‌آموزان را

ندارد، پسر همسایه در می‌زند و سرکه می‌خواهد؛ ولی کودک به خاطر گفته‌ی مادرش، نمی‌تواند در خانه را باز کند. تمام ده دقیقه‌ی این فیلم، به چاره‌جویی این دو کودک و پیدا کردن راهی برای جابه‌جایی سرکه مربوط است؛ بدون این‌که در منزل را باز کنند. این مسئله باعث رشد عقلانی کودکان می‌شود و بزرگ‌ترین الگوی فیلم «سرکه» است.

به طور کلی، تئاتر «پداگوژیک» و پرورشی ما قوه‌ی تعقل و تفکر را در کودک باید بتواند بیدار کند. در تئاتر دانش‌آموزی، روح جمعی، دانش‌آموزان را وادار می‌کند که دائماً با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ البته در پشت تمام قصه‌های کهن، یک راهنمای تربیتی وجود دارد؛ مثلاً «کلاه قرمزی» و «زیبای خفته» که به کودکان و نوجوانان، غیرمستقیم درس‌هایی می‌دهند و به نوعی جزو تعلیمات باستانی ما هستند. در قصه‌ی «علی و غول جنگل» نیز علی با پنیر و توبره به جنگ غول جنگلی می‌رود و با تکیه بر قوه‌ی عقل و تفکر، غول جنگلی را به زانو در می‌آورد. این قصه‌ها، برای کودکان راهنما می‌شود تا مشکلاتشان را حل کند و با تکیه بر قوه‌ی عقل و تفکر، به کارهایشان رسیدگی کنند.

تئاتر، یک ابزار پرورشی است و به همین دلیل در آموزش و پرورش به آن باید توجه شود. با این ابزار، می‌توانیم ابتکارات بچه‌ها را شکوفا کنیم. دانش‌آموزان با تکیه بر قوای خلاقیت، به مراحل تولید، بازی و کارگردانی باید برسند و برای رسیدن به این مراحل، از کودکی آموزش‌های لازم را باید ببینند.

آیا جشنواره‌ها و رقابت‌های دانش‌آموزی، در ارتقا و اشاعه‌ی تئاتر دانش‌آموزی مؤثر است؟ توصیه‌ی شما در این زمینه چیست؟
به جشنواره‌ها و رقابت‌های

با مشکل روبه‌رو می‌کند. به نظر من، بسیاری از تعالیم پایه‌ای از خانواده شروع می‌شود و والدین، نقش بسیار ارزنده‌ای را ایفا می‌کنند. باید بدانیم که آرزوهای نسل ما با نسل کنونی تفاوت دارد و ما حق نداریم، عقاید خودمان را به کودکان تحمیل کنیم. ما باید فرزند زمانه‌ی خودمان باشیم. این، جمله‌ای است که حضرت‌علی (ع) نقل می‌کنند.

به نظر شما، چه عناوین و متن‌هایی می‌توانند نیاز دانش‌آموزان را بر آورده سازد؟

موضوعات باید بر بیشترین توانایی کودکان و نوجوانان و هم‌چنین حضور گروهی و ارتباط آن‌ها با تماشاگران استوار باشد؛ به‌گونه‌ای که موجب شادی روح کودکان و نوجوانان شود. هنر بچه‌ها را باید به وجد بیاورد و آن‌ها را خوش‌بین کند.

به دانش‌آموزان باید فرصت بدهیم تا تخیلاتشان را بروز دهند و فرصت بیان داشته باشند. آن‌ها نیت قلبی و منویات ذهنی خودشان را با واژه، تصویر، حرکت، شعر و نمایش، به دیگران باید بتوانند برسانند؛ یعنی قدرت و تربیتی پیدا کنند که حرف‌ها و عواطفشان را به

تئاتر، يك ابزار پرورشی است و به همین دلیل در آموزش و پرورش به آن باید توجه شود. با این ابزار، می‌توانیم ابتکارات بچه‌ها را شکوفا کنیم

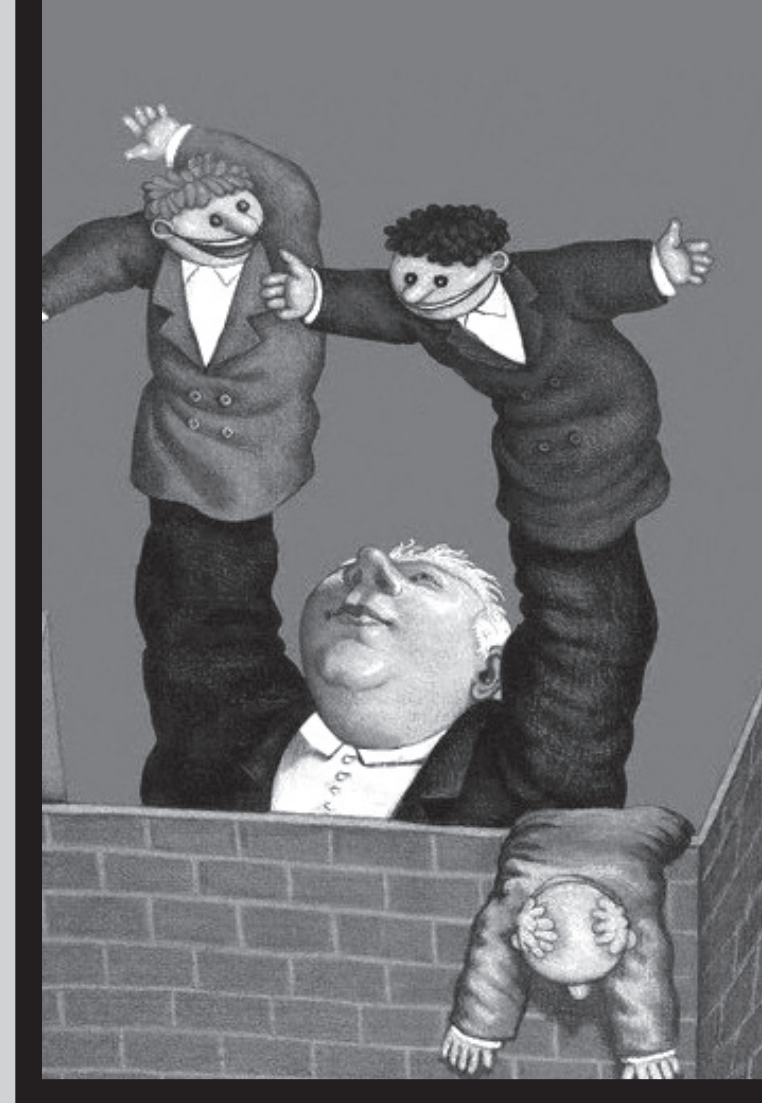
برای بچه‌ها اثر را تولید کنند. گروه قوی و کارآمدی شکل گرفته بود که در زمینه‌های مختلف، نقاشی، داستان، تئاتر، موسیقی و سایر موارد، با یکدیگر همکاری کردند؛ مثلاً «بیژن مفید» نمایش‌نامه نوشت و نادر ابراهیمی و «زرین کلک» داستان‌نویسی کردند و آن را مصور کردند؛ بنابراین، متخصصین و کارشناسان تراز اول را باید دعوت کنیم. حضور افراد غیرمتخصص با درجه‌های ۴ و ۳، فایده‌ای ندارد و نتیجه‌ی عکس می‌دهد.

خارج از حوزه‌ی آموزش و پرورش، چه متولیان در زمینه‌ی تئاتر دانش‌آموزی تأثیرگذارند؟

رسانه‌ها، نقش بسیار مهمی در اشاعه و ارتقای تئاتر دانش‌آموزی ایفا می‌کنند؛ البته رسانه‌ها باید بدانند، وجه تمایز کودکان و بزرگسالان در دو دنیای متفاوتی است که این دو گروه دارند؛ بنابراین، با کودکان، کودکانه باید رفتار کرد و سخن گفت.

بعضی‌ها اعتقاد دارند، اگر بخواهند برای کودکان کار کنند، خارج از آموزش و پرورش باید فعالیت کنند. نظر شما در این زمینه چیست؟

به نظر من، بهترین تجربیات و فعالیت‌های ما، در آموزش و پرورش صورت می‌گیرد؛ زیرا در حوزه‌ی آموزش و پرورش، برای تفهیم بسیاری از درس‌های پیچیده، می‌توانیم از هنرهای نمایشی استفاده کنیم. در خارج از کشور، کلاس‌های قصه‌گویی و نمایش‌های عروسکی در مدارس برگزار می‌شود؛ حتی برخی از درس‌ها، مانند فیزیک را به یاری نمایش‌های عروسکی، آموزش می‌دهند. تئاتر نیز یکی از ابزارهای علمی و پژوهشی بسیار نیرومند است که به کمک درس‌های دیگر، از جمله «درس علوم تجربی» و «فیزیک» می‌رود.



برشت به کودکان و نوجوانان ربطی ندارد و به آن‌ها نباید تحمیل شود. کار برشت هم مانند «تعزیه‌ای» است که به کودک تحمیل شده و غلط است. «تعزیه» برای انسان‌های مؤمن حدود ۱۸ سال به بالا است که می‌خواهند نمادها و تعاریف ایمانی خودشان را پیدا کنند. «تعزیه» نوعی عبادت است. کودکان فعلاً این مسائل را نمی‌فهمند و در حال کشف جهان‌اند. اگر این مسائل به آن‌ها تحمیل شود، آن‌ها را پس می‌زنند و در «تعزیه» یا هنگام تماشای کارهای «برشت» با دوستانشان بازی و صحبت می‌کنند. این کار کودکان، به نوعی پس‌زدن و اعتراض است. ما در ابتدا، همان کاری را باید انجام دهیم که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انجام داد. نخبه‌هایی، مانند «بهرام بیضایی»، «نادر ابراهیمی» و «احمدرضا احمدی» را دعوت کرد تا

زبان بیاورند. برخی از کسانی که از حوزه‌ی آموزش عالی تئاتر وارد آموزش و پرورش می‌شوند، نمایش‌ها را به سبک «برشت» اجرا می‌کنند. با این گمان که این کار بچه‌ها را به تعقل می‌رساند. نظر شما در این باره چیست؟
مسائل بزرگان برای بچه‌ها نیست. همان‌طور که مسائل کودکان برای بزرگان نیست. موضوعاتی را باید کار کنیم که خاص کنجکاوی‌ها و دل‌مشغولی‌های کودکان است. کودکان، دنیای خاص خودشان را دارند و وقتی به نوجوانی می‌رسند، می‌خواهند دنیا را تجربه و ماجراجویی کنند؛ بنابراین، موضوع اصلی تمام فیلم‌ها، تئاترها و رمان‌های مربوط به نوجوانان، ماجراجویی و خطر کردن در جهان بیرونی است. باید بدانیم که کار